



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



تاریخ اسلام کمبریج

تأملی در فصل

((محمد))

رسول جعفریان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاملی در فصل «محمد» (ص) تاریخ اسلام کمبریج

نویسنده:

رسول جعفریان

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی تبیان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	تاملی در فصل «محمد» (ص) تاریخ اسلام کمبریج
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۷	درست دانستن آیات شیطانی
۸	انکار حکومت پیامبر در مدینه
۸	جهاد رسول همان غارت های جاهلی
۹	موارد دیگر
۹	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

تاملی در فصل «محمد» (ص) تاریخ اسلام کمبریج

مشخصات کتاب

عنوان: تاملی در فصل محمد (ص) تاریخ اسلام کمبریج

پدیدآورندگان: جعفریان، رسول، ۱۳۴۳- (پدیدآور)

حضرت محمد صلی الله علیه و آله (توصیف گر)

وضعیت نشر: قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷

نوع: متن

جنس: مقاله

الکترونیکی

زبان: فارسی

توصیفگر: تاریخ اسلام کمبریج (کتاب)

مقدمه

تاریخ اسلام کمبریج در دو مجلد در سال ۱۳۸۳ توسط شرکت چاپ و نشر بین الملل وابسته به مؤسسه انتشارات امیر کبیر (وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی) توسط تیمور قادری ترجمه و منتشر شد. این کتاب در ردیف دهها مجلد کتابی است که دانشگاه کمبریج با استفاده از محققان انگلیسی و غیرانگلیسی برای کشورهای مختلف نوشته است. از جمله آنها تاریخ ایران کمبریج است که از آغاز تا انقلاب اسلامی در آن آمده و به فارسی هم ترجمه شده است. تاریخ اسلام کمبریج سالها پیش توسط همین ناشر و با ترجمه مرحوم احمد آرام ترجمه و منتشر شد. آن کتاب در یک مجلد بود و اکنون همان کتاب، با ترجمه دیگری و توسط همان ناشر در دو مجلد چاپ شده است. این در حالی که است در مقدمه، هیچ اشاره ای به این که ترجمه نخست چه نواقصی داشته که همین ناشر مجبور به نشر دوباره آن شده، به چشم نمی خورد. احتمال می رود که آن ترجمه با قدری تلخیص بوده و این ترجمه بسا کاملتر است. آنچه در این نوشته کوتاه مورد نظر ماست، مروری بر فصل دوم این کتاب است که توسط مستشرق کهنسال و معروف مونتگمری وات (استاد دانشگاه ادینبورو) نوشته شده است. این همان کسی است که دو مجلد کتاب با عناوین «محمد در مکه» و «محمد در مدینه» هم دارد که به عربی ترجمه شده است. مستشرق یاد شده آثار متعدد دیگری هم دارد که بیشتر آنها بازاری عمومی است و برخی هم به فارسی ترجمه شده است. این فصل از صفحه ۶۵ آغاز شده و تا صفحه ۹۹ ادامه یافته و ویژه زندگی تاریخ اسلام در عصر رسول الله (ص) است. آنچه که در این فصل (و فصول دیگر) جلب توجه می کند این است که مؤلف هیچ نوع ارجاعی در ارائه مباحث نداده و مواد تاریخی با تحلیل های وی بدون هیچ گونه منبع و مدرکی در اختیار گذاشته شده است. علی القاعده این هم سبکی است که وجود دارد و البته کار ارزیابی را دشوار می کند. در چنین سبک هایی، شاید چنین مقرر باشد که اصول تاریخی و مسلمات مبنای تحلیل قرار گیرد. این در حالی است که در بخش سیره، در اختیار بودن چنین مسلماتی کار دشواری است؛ چنان که نمونه هایی را که سخت محل تردید است، در همین فصل ملاحظه می کنیم که مبنای تحلیل های نادرست قرار گرفته است. در مجموع این فصل، مترجم هشت پاورقی کوتاه بلند دارد که دست کم سه مورد آن اظهار تأسف از این است که مؤلف مثلاً از سرداران فلان نبرد نامی نبرده، یا آن که به غدیر اشاره نکرده، یا اسم سلمان را در نبرد خندق یاد نکرده است. پاورقی اخیر هم اشارتی کلی است به این که البته مؤلف این مطالب را بر اساس دیدگاه های خود گفته است. از میان این پاورقی ها تنها در

یک مورد در مبحث غرائق، سطوری از تفسیر المیزان ترجمه و در پاورقی آمده است. در حالی که آن مطالب ربطی به نتیجه گیری های شگفت و تردید برانگیز مؤلف در تخریب مبانی وحی ندارد. آشکار است که مونتگمری وات یک مستشرق نامسلمان است و کسی از او انتظار ندارد که مثل یک مسلمان بیندیشد. اما مهم تر و آشکارتر آن است که چگونه ممکن است که ۳۴ صفحه مطلب، در باره این مقطع مهم تاریخی به فارسی ترجمه شود و نه تنها به اغلاط تاریخی واضح و آشکار آن توجهی داده نشود (که نمونه هایی را خواهید دید) بلکه به مواردی که اساس و اصول اسلام و وحی را زیر سؤال می برد، پاسخی داده نشود. این اشکالات به قدری واضح و روشن است که حتی کسانی که آشنایی مختصری با سیره نبوی دارند می توانند به بسیاری از آن مباحث واقف و آگاه شوند. بنای نویسنده این سطور هم پرداختن به همه آن موارد از اغلاط تاریخی یا نگره های نادرست و تحلیل های عوضی نیست بلکه فقط اشارتی به برخی از موارد مشهود و آشکار است، با اظهار تأسف از این که یک ناشر وابسته به یک مرکز تبلیغات دینی چگونه به خود اجازه می دهد به نشر چیزی پردازد که وحی را محل تردید قرار می دهد و اینچنین در پیش چشمان مردمی که به رسول خدا (ص) عشق می ورزند، تحلیل هایی که پایه های نبوت را ویران می سازد، منتشر سازند. در این زمینه حتی اگر یک مورد هم باشد قابل بخشش نیست چه رسد به آن که چندین مورد در حجمی چنین محدود باشد. بگذریم که ترجمه هم نابسامان و ساختگی به نظر می آید و آشکارا دقتی در آن به چشم نمی خورد و بسا برخی از آن اغلاط، ناشی از بد ترجمه شدن متن باشد که البته این کار را به عهده متخصصان زبان و تاریخ می گذاریم تا دو متن را با یکدیگر تطبیق دهند. ابهام های موجود در برخی از عبارات، بلکه بسیاری از آنها ناتوانی در ترجمه را به وضوح نشان می دهد. تنها صفحه ۷۷ کتاب را بخوانید تا بفهمید چه اندازه جملات نامفهوم در این کتاب هست. و یا برای نمونه به بیانی که در صفحه ۹۱ از واقعه افک شده مراجعه فرمایید تا قدرت انعکاس محتوای کتاب را در باره آن واقعه و انتقال آن به خواننده دریابید. اما مواردی که به نظر می رسد مشکل جدی دارد از این قرار است:

درست دانستن آیات شیطانی

مؤلف برای آیات شیطانی یا واقعه غرائق چندان ارزش قائل است که آن را مرزی میان دو دوره تاریخی در برخورد وحی با مردم در شرح عقاید اسلامی می داند. دوره ای که پیامبر (ص) با تجار بزرگ مکه سرسازش دارد و تلاش می کند تا موافقت آنان را جلب کند و دوم، دوره ای که روابط میان آنان تیره می شود: «بعد از حادثه الغرائق خصومت میان محمد (ص) و تجار بزرگ به اختلافی آشکار تبدیل شد» (ص ۷۴). مؤلف ضمن این که احتمال می دهد داستان سرایان اندکی تغییر در انگیزه های داستان سرایان در واقعه غرائق داده باشند، اصل آن را درست دانسته و می نویسد: «این حادثه آن قدر عجیب است که نمی توان آن را کذب محض دانست. اما باید اذعان داشت که ممکن است انگیزه های نسبت داده شده به این ماجرا به وسیله داستان سرایان تغییر یافته باشد». سپس می نویسد: «قرآن حداقل یکبار به دخالت شیطان در وحی ای که بر محمد نازل شده بود اشاره می کند و این احتمالاً به همین ماجرا که شرح آن خواهد رفت اشاره دارد. داستان از این قرار است که در حالی که محمد (ص) امیدوار بود تا با تجار بزرگ به توافقی دست یابد وحی نازل می شود و نام الهه بانوهای لات، عزی، و منات در آن ذکر می شود. سپس در ادامه دو یا سه آیه دیگر نیز وساطت این الهه بانوها مورد تأیید قرار می گیرد. کمی بعد، محمد پیام دیگری دریافت می کند که آیه های قبلی را نسخ می کند اما همچنان اسامی الهه بانوها را در بر دارد. منتها با گفتن این نکته که غیر منصفانه است خداوند دارای دخترانی باشد، حال آن که انسانها صاحب پسر باشند.» (ص ۷۴). چنان که واضح است، در این کتاب، نفوذ شیطان در وحی بر رسول خدا (ص) مورد تأیید قرار گرفته و به صراحت با وحی الهی بازی شده است. در ادامه، تحلیل مؤلف آن است که پیامبر تا مدتها در تلفیق افکار شرک آلود با یکتاپرستی می اندیشیده و داستان غرائق هم در همان زمینه بوده است؛ اما به مرور دریافته است

که پذیرش وساطت بت‌ها یا فرشته‌ها با دیدگاه‌های اصلی او در باره توحید ناسازگار است. این در واقع، شرح همان دو دوره است که پیش از این اشاره کردیم. عبارت او چنین است: «احتمالاً- محمد (ص) در پذیرش نیایش در این معابد بر اساس حادثه الغرائق [بخوانید پذیرفتن نیایش برای بت‌ها در معابد مشرکین] به آن، به عنوان نیایش موجودی فرشته‌گونه و منقاد خداوند می‌اندیشیده است. غیر ممکن است که او نیایش را در این معابد به عنوان مصالحه‌ای انگاشته باشد؛ به هر صورت به مرور زمان او باید پی برده باشد که خویشتن‌داری و شکیبایی در مقابل چنین نیایشی، جنبه‌های مهم تعالیمش را به مخاطره می‌اندازد و دین جدید او را از کافر‌کیشی غیر قابل تمیز می‌سازد». (ص ۷۵). مؤلف این تغییر در بینش رسول خدا (ص) را ناشی از تغییر در آیات قرآنی می‌داند آنگونه که گویی اوایل در آیات روش‌مماشات برای به قول او نیایش در معابد مشرکین پذیرفته شده بوده و بعداً آن آیات نسخ شده و آیات دیگری جای آن را گرفته است. عبارت او چنین است: «بعد از نزول آیاتی که آیه‌های قبلی را نسخ می‌کرد، شکاف و اختلاف میان محمد (ص) و تجار بزرگ آشکار شد... گاهی [قرآن] اجازه می‌دهد تا حقیقتی مابعد الطبیعی اما بدون الوهیت مورد ستایش خلائق قرار گیرد، اما تأکید می‌کند که اینان ستایشگران را منحرف می‌سازند؛ در حالی که در مواقعی دیگر اظهار می‌دارد که اینان یک سری اسامی بیش نیستند که با هیچ واقعیتی همخوانی ندارند. از این زمان به بعد تأکید بر یگانگی خداوند است که مشخصه منحصر به فرد اسلام است». (ص ۷۵). مؤلف در این نوشته چنان می‌نماید که رسول (ص) شرک را در یکجا پذیرفته و در جای دیگر رد کرده است و درست در یک مرحله است که به نتیجه رسیده تا صرفاً روی توحید پافشاری کند. متأسفانه در این بخش تنها کاری که مترجم یا ناشر در نقد آن مطالب کرده، آن است ترجمه - تفسیر آیات غرائق را در چند سطر در پاورقی اینجا آورده است بدون آن توجه داشته باشد که مؤلف چگونه ریشه و اساس دعوت توحیدی پیامبر خدا (ص) را زده و آن تغییر را در چهارچوب رابطه ایشان با تجار قریش تحلیل کرده است. در این تحلیل چه جایی برای خلوص در وحی باقی می‌ماند.

انکار حکومت پیامبر در مدینه

مؤلف تلاش می‌کند تا وجود هر نوع حکومتی را برای پیامبر (ص) در مدینه انکار کند. وی ضمن اشاره به قراردادی که میان قبایل و گروه‌های نه‌گانه در ابتدای بعد از هجرت امضا شد می‌نویسد: جدای از به رسمیت شناختن دعوی دینی، محمد (ص) به طوری ساده به عنوان بزرگ یکی از این طوایف نه‌گانه عمل می‌کرد و هیچ قدرت خاصی نداشت. به جز آن که منازعاتی که صلح و آرامش را در مدینه به مخاطره می‌افکند به او ارجاع می‌شد. بنابراین پیامبر از رهبریت حکومت جدید برپا شده در مدینه فاصله زیادی داشت. (ص ۸۰). معنای این سخن آن است که پیامبر (ص) جز آن که یک قاضی ساده بوده، هیچ نوع کار حکومتی در این دوره ندارد.

جهاد رسول همان غارت‌های جاهلی

مؤلف با زیرکی تمام، جهاد اسلامی را که خداوند آن را وسیله‌ای برای گسترش توحید و صلح واقعی تصویر می‌کند، با سنت قتل و غارت‌های جاهلی پیوند داده و یکی می‌داند. وی می‌نویسد: «غزوه و جمع آن مغازی، عادتی ترین پیشه مرد عرب چادر نشین، و در واقع نوعی ورزش محسوب می‌شد. در گذشته قبل از اسلام معمول ترین هدف این جنگ و گریزها، ربودن گوسفند و شتر گروه‌های معارض بود.» (ص ۸۱) وی سپس با اشاره به شماری از جنگ‌های صدر اسلام می‌نویسد: «بسیاری از صحراگردان و شهرنشینان به دلایل سیاسی یا غیر دینی، همچون میل به جمع‌آوری غنایم به این دولت پیوستند.» (ص ۹۱). و ادامه می‌دهد: «او (محمد) طبیعتاً خواهان آن بود که پیروانش با هم در صلح و صفا زندگی کنند، اما از آنجا که توان اعراب بیشتر در جنگ‌های ضد

دیگر قبایل به راه می انداختند صرف می شد، در نتیجه جایگزینی باید پیدا می شد تا این انرژی صرف آن گردد. این جایگزین از پیش در مفهوم جهاد یا جنگ مقدس نهفته بود، امری که اساساً شامل یک غزوه بود و شامل کسب غنائم نیز می شد.» (ص ۹۱). در جای دیگر به عنوان دستاورد محمد (ص) می نویسد: «به منظور جلوگیری از متلاشی شدن جامعه آن هم به سبب قدرت جنگ افزوانه آنها، پیامبر تفکر جهاد را مطرح کرد.» (ص ۹۸). بدین ترتیب مؤلف، غزوات اسلامی را یکسره ادامه قتل و غارت های جاهلی قبایل بر ضد یکدیگر تصویر می کند که تنها نامی از جهاد مقدس روی آن آمده است.

موارد دیگر

در اینجا برخی از موارد را که اغلاط واضح تاریخی یا مسأله دار است ارائه می دهیم: ۱. نویسنده آورده است: بعد از شش سال اقامت در مدینه، محمد (ص) به منظور بستن راه بر کاروانهایی که میان سوریه و مکه در حرکت بودند و به هدف توقیف آنها سوارانی را به خارج مدینه گسیل کرد (ص ۸۱). علی القاعده مقصود شش ماه بوده است نه شش سال. بسا خطای مترجم باشد. ۲. نویسنده در تحلیل رفتار پیامبر (ص) با یهود در مدینه، چنین تحلیل می کند که آن حضرت در اوائل در پی آن بود تا توسط یهودیان به رسمیت شناخته شود. اما وقتی آنان با وی مقابله کردند، وی شروع به طرح و بسط تفکر دین ابراهیم کرد و با یهودیان به مقابله برخاست. (ص ۸۳) در این در حالی است که مبانی دین حنیف ابراهیمی در مکه مطرح شده و ربطی به این تحلیل ندارد. مهم آن است که این تحلیل نوعی بازیگری سیاسی را در روش های دینی آن حضرت به نمایش می گذارد. چیزی که از دید یک مستشرق اهمیتی ندارد، اما انعکاس آن در فرهنگ دینی ما بدون نقد نابخشودنی است. ۳. نویسنده نوشته است که در جریان جنگ بدر «بیش از پنجاه تن از مکیان به هلاکت رسیدند و حدود هفتاد تن از آنان نیز به اسارت درآمدند.» (ص ۸۵). مسلم است که تعداد کشته های قریش بیش از هفتاد نفر بوده است. این مطلبی است که ابن هشام به آن تصریح دارد (سیره: ۱/ ۷۱۴) گرچه تعبیر به «بیش از پنجاه نفر» جای توجیه دارد! ۴. در باره دفن رسول خدا (ص) و تصمیم به انتخاب ابوبکر می نویسد: در حالی که توده های مردم منتظر شنیدن نتیجه کار بودند، مردانی که ابوبکر را به خلافت برگزیدند از بستگان نزدیک محمد (ص) بودند (ص ۱۰۲). بسا این نکته هم از بدفهمی از متن اصلی باشد. در هر حال شگفت است که گفته شود نزدیکان محمد (ص) ابوبکر را انتخاب کردند. شاید کلمه صحابه به ترجمه به بستگان شده باشد!

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتهد فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۶۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبیا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰-۰۰ IR
 ۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال،
 خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی
 همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش
 از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند
 آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

